

باسمه تعالی

- ۱..... **مقدمه: تقسیم افعال انسان**
- ۲..... **استدلال بر عدم قبح تجرّی**
- ۲..... **وجه اول: تجرّی، فعل ارادی غیر اختیاری است**
- ۲..... **اشکال: تجرّی «بما هو متک للمولی» قبیح است**

موضوع: حجج و امارات / قطع / تجرّی**خلاصه مباحث گذشته:**

در بحث قطع در جهت اول در مورد حجّیت قطع و برخی نکات ذیل آن بحث شد. سپس وارد جهت دوم یعنی بحث تجرّی شدیم. در این جهت در سه مقام بحث وجود دارد: قبح تجرّی؛ حرمت شرعی تجرّی؛ استحقاق عقاب متجرّی؛ در این جلسه به بررسی قبح تجرّی خواهیم پرداخت.

مقدمه: تقسیم افعال انسان

در علم فلسفه تقسیماتی برای فاعل ذکر شده از جمله تقسیم آن به فاعل مختار و فاعل غیر مختار، که فاعل غیر مختار نیز تقسیم به فاعل مضطرّ و فاعل موجب می‌شود. یعنی افعال انسان گاهی اختیاری و گاهی اضطراری و گاهی ایجابی است. این بحث متناسب با علم حکمت است اما در علم اصول نیز از این تقسیم استفاده شده است. سپس مرحوم آخوند متوجه نکته‌ای شده (که ممکن است از خود ایشان و یا از مرحوم شیخ باشد) و تقسیم دیگری متناسب با مباحث علم اصول مطرح نموده‌اند. البته ایشان به نحو صریح و با این اصطلاحات این تقسیم را ذکر نکرده است، اما این تقسیم مستفاد از کلام ایشان است. افعال انسان تقسیم به فعل ارادی و فعل غیر ارادی می‌شود، که افعال ارادی نیز تقسیم به فعل اختیاری و فعل غیر اختیاری می‌شود. بنابراین افعال انسان سه دسته‌اند:

الف. فعل غیر ارادی: فعلی است که مسبوق به اراده انسان نیست، مانند حرکت دست مرتعش (در علم حکمت این فعل غیر اختیاری اضطراری است)؛

ب. فعل ارادی اختیاری: فعلی است که مسبوق به اراده بوده و فاعل قاصد فعل باشد، مانند اینکه زید تیری به حیوانی بزند تا کشته شود. در این مثال، زید فاعل قتل است، و قتل نیز فعلی ارادی و اختیاری است، زیرا هم مسبوق به اراده است و هم زید قصد قتل نموده است؛

ج. فعل ارادی غیر اختیاری: فعلی است که مسبوق به اراده هست اما فاعل قصد آن فعل را نکرده است، مانند اینکه در مثال قبل وقتی زید تیری پرتاب کرد، آن تیر به عمرو اصابت کرد و عمرو به قتل رسید. در این مثال نیز زید، فاعل قتل بوده و این قتل فعلی ارادی است اما اختیاری نیست؛ زیرا زید قاصد قتل عمرو نبود؛

با توجه به این تقسیم، بحثی وجود دارد که کدام دسته از افعال انسان متّصف به حُسن و قبیح می‌شود؛ در «فعل غیر ارادی» اتّفاق وجود دارد که این افعال متّصف به حُسن و قبیح نمی‌شوند؛ در «فعل ارادی اختیاری» نیز اتّفاق وجود دارد که این افعال متّصف به حُسن و قبیح می‌شوند؛ اما در «فعل ارادی غیر اختیاری» اختلاف وجود دارد. سوال این است که آیا قتل عمرو در مثال فوق نظیر ارتعاش دست است تا متّصف به حُسن و قبیح نشود؛ و یا نظیر قتل حیوان است تا متّصف شود؛ مرحوم آخوند فرموده است این دسته از افعال انسان (افعال ارادی غیر اختیاری) متّصف به حُسن و قبیح نمی‌شود. بنابراین قتل عمرو در مثال فوق، هر چند فعل زید است اما چون اختیاری نیست نه می‌شود گفت «حسن است» و نه می‌شود گفت «قبیح است».

به نظر می‌رسد این فرمایش مرحوم آخوند صحیح است و افعال ارادی غیر اختیاری متّصف به حُسن و قبیح نمی‌شوند.

استدلال بر عدم قبیح تجرّی

همانطور که گفته شد در بحث قبیح تجرّی سه قول وجود دارد؛ قول اول از مرحوم شیخ و مرحوم آخوند است که قائل به عدم قبیح تجرّی هستند. برای عدم قبیح تجرّی وجوهی ذکر شده، که عمده آنها همان دو وجهی است که مرحوم آخوند به آنها اشاره نموده است:

وجه اول: تجرّی، فعل ارادی غیر اختیاری است

مرحوم آخوند فرموده است تجرّی از افعال ارادی غیر اختیاری است، لذا اصلاً متّصف به حُسن و قبیح نمی‌شود. بنابراین تجرّی قبیح نخواهد بود. توضیح اینکه زید که قطع به حرمت شرب این مایع دارد، با قصد شرب در واقع قصد معصیت خداوند را نموده است. بعد از شرب، در خارج معصیت محقّق نشده بلکه تجرّی محقّق شده است. بنابراین تجرّی فعل اختیاری (فعلی که قصد شده باشد) نیست بلکه فعل ارادی غیر اختیاری است؛ زیرا قصد تجرّی نشده است (بلکه می‌شود گفت هیچگاه تجرّی عن قصد محقّق نمی‌شود).

اشکال: تجرّی «بما هو هتک للمولی» قبیح است

۱. کفایة الاصول، ص ۲۶۰: «هذا مع أن الفعل المتجرأ به أو المنقاد به بما هو مقطوع الحرمة أو الوجوب لا يكون اختيارياً فإن القاطع لا يقصد إلا بما قطع أنه عليه من عنوانه الواقعي الاستقلالي لا بعنوانه الطارئ الآلي بل لا يكون غالباً بهذا العنوان مما يلتفت إليه فكيف يكون من جهات الحسن أو القبح عقلاً و من مناطات الوجوب أو الحرمة شرعاً و لا يكاد يكون صفة موجبة لذلك إلا إذا كانت اختيارية».

بعد از مرحوم آخوند بسیاری از علماء بر ایشان اشکال نموده‌اند. اشکالات ناشی از عدم تفکیک صحیح بین فعل اختیاری و فعل غیر اختیاری است. با توجه دقیق به تقسیم فعل انسان در مقدمه بحث، اشکالات مطرح شده، مندفع خواهند شد. به همین سبب به بررسی اشکالات نخواهیم پرداخت.

هرچند فرمایش مرحوم آخوند از نظر کبروی صحیح است، اما در بحث تجرّی تطبیق نمی‌شود. توضیح این مطلب با استفاده از یک مثال بیان می‌شود. اگر فرض شود تیری به سمت زید (که انسانی بری و بی گناه است) پرتاب شده و موجب قتل زید شود. در این صورت این قتل فعلی ارادی و اختیاری بوده و قبیح است. سوالی مطرح می‌شود که آیا قبح قتل به سبب این است که قتل زید است، یا به سبب این است که قتل انسان بری و بی گناه است؟ واضح است که زید بودن خصوصیتی ندارد، بلکه قتل هر انسان بی گناه قبیح است؛ حال فرض شود تیری به سمت زید پرتاب شده و موجب قتل وی شود، اما بعد از قتل معلوم شود که اشتباه شده و مقتول همان عمرو بوده است. یعنی هنگام قتل، اعتقاد بر زید بودن وجود داشته، اما اشتباه شده و سپس معلوم شده عمرو (که وی نیز انسان بی گناهی است) بوده است. در این صورت نیز قتل عمرو فعلی اختیاری و قبیح است؛ بله به عنوان قتل عمرو فعلی غیر اختیاری است زیرا قصد نشده است، اما به عنوان قتل انسان بی گناه، قبیح است، زیرا فعل اختیاری است. بله اگر هنگام پرتاب تیر قصد شود قتل این انسان بری، در این مورد قتل عمرو مقصود نبوده و قبیح نیست هرچند اقدام بر قتل زید قبیح است. تجرّی از قبیل مثال اول است یا از قبیل مثال دوم؟ به نظر می‌رسد وقتی قصد معصیت شده و تجرّی محقق شود، از قبیل مثال اول است زیرا معصیت خداوند بما هو هتک للمولی قبیح است، و تجرّی نیز بما هو هتک (اگر قائل به قبح شویم) قبیح است.